



بررسی سایه

تنظیم: سیامک محصلی از خواجه

درس هفتم - تاریخ ادبیات در قرن‌های ۱۰ و ۱۱

مقدمه

ادبیات از ابتدای پیدایش تا به امروز، چندین مرحله را سپری کرده است و بر اساس چندین طبقه بندی، به قسمت‌هایی تجزیه شده است اما مهم‌ترین نوع آن، طبقه بندی بر اساس سبک است. همان گونه که در درس‌های پیشین و هم‌چنین سال قبل با سبک خراسانی و عراقی آشنا شدیم، در این درس به ادامه سبک عراقی خواهیم پرداخت و هم‌چنین با مکتب جدیدی آشنا خواهیم شد و طبق سبک‌های قبلی، ویژگی‌های این مکتب ادبی را هم روشن و آشکار خواهیم ساخت.

قرن دهم

در این قرن حکومت در اختیار جانشینان تیمور لنگ بود. اوضاع سیاسی و اجتماعی ایران در این دوره و به طور کلی وضع ادبیات نیز آشفتگی و پریشانی بود. در این سال‌ها دو جریان شعری رونق بیشتری داشت: (۱) شعر لطیف و فصیح باباغانی (۲) مکتب وقوع (واسوخت) که نتیجه چاره‌اندیشی شاعران برای تغییر سبک بود.

به دنبال سیطره بلند مدت مغولان و تیموریان حتی با ظهور شاعران بزرگی مانند سعدی و حافظ و مولانا در دوره عراقی، جایی برای شکوفایی و رونق شعر فارسی، نمانده بود.

سبک عراقی در نیمه دوم قرن دهم به اوج خود رسید و شاعران این دوره این حقیقت را باور کرده بودند که شعر این دوره از واقعیت



دور شده و کاملاً جنبه تخیلی و ذهنی به خود گرفته است. پس باید چاره‌ای اندیشیده می‌شد و به سوی حقیقت‌گویی و واقع‌گویی بازگردانیده می‌شد. این کار مستلزم پرداختن به مسائل اجتماعی و انتقادهای سیاسی بود.

علت گرایش شاعران به دربارهای هندی:

کم توجهی و بی‌مهری شاهان صفوی نسبت به شاعران	شاعر نوازی و ادب‌گرایی سلاطین هند
--	-----------------------------------

زبان فارسی که در شبه قاره هند استحکام و استقرار کافی را به دست آورده بود، همه گیر و رسمی شد و حتی تا زمان حاکمیت استعمار انگلیس در هند، زبان رسمی آن دیار بود. هم‌زمان با رشد ادبیات در هند، اصفهان نیز که پایتخت و محل اجتماع فضلا و شعرا بود، از دیدگاه ادبی توسعه یافت و به مادر شهر مبدل گشت.

شاعران مطرح قرن دهم:

بابا فغانی شیرازی: شعرش از نظر دقت، ظرافت و رقت معانی مشهور است.
--

وحشی بافقی (مشهورترین شاعر مکتب وقوع): سبک شعرش حد واسط سبک عراقی و سبک هندی است و واقع‌گرایی شاخصه اصلی آن است.
--

محتشم کاشانی: در سرودن شعر مذهبی معروف است و ترکیب بند عاشورایی او، زبانزد است.

واسوخت شاخه‌ای از درخت مکتب وقوع

رویکرد اصلی مکتب وقوع، به عنوان سبک فرعی بین سبک‌های عراقی و هندی، واقع‌گرایی بین روابط عاشق و معشوق و هدف‌گرایی واسوخت، پایین آوردن جایگاه معشوق و روی گردانی از آن است.

* کلمه واسوخت در زبان فارسی رایج در هند، به معنای روی گرداندن و اعراض است.

در این مکتب، عاشق جفای معشوق را نمی‌پذیرد ولی در سبک عراقی معشوق هر چقدر ناز می‌کرد، معشوق ناز آن را با تمام جان می‌خرید. مثلاً این بیت از وحشی بافقی:

دل نیست کبوتر که چو برخاست نشیند
از گوشه بامی که پریدیم، پریدیم

قرن یازدهم: سبک هندی

اکنون به سومین سبک اصلی ادب فارسی برمی‌خوریم. علت این که چرا به این سبک هندی گفته می‌شود در توضیحات قبلی گفته شد و باز هم اشاره کوتاهی می‌کنیم. چون در این دوران، اکثر شاعران به هند مهاجرت کردند، کم‌کم ادبیات با تغییر سبک و سیاق مواجه شد و به دلیل موقعیت جغرافیایی شکل‌گیری این تغییر، به سبک هندی معروف شد. از طرف دیگر چون صفویان پایتخت خود را اصفهان قرار دادند و شاعران در دربار آن‌ها گرد آمدند، به سبک اصفهانی هم معروف شد.

در این دوره اکثر گروه‌های مردمی ادعای شاعری کردند. علت این ادعا، وابسته نبودن شعر به دربار و از بین رفتن طبقه درباری در معنای سنتی آن بود. معروف است که مجموع شاعران این سبک، از کل شاعران فارسی‌زبانان تا قبل این دوره بیشتر است؛ علت آن هم این است که همه از هر گروهی و با هر معلوماتی به شعر روی آوردند.



	شاعران مطرح سبک هندی
ابداع معانی و خیال‌های رنگین، استفاده از ضرب المثل‌ها و الفاظ محاوره	کلیم کاشانی (خلاق المعانی ثانی)*
خداوندگار مضامین تازه شعری، ضرب المثل شدن اشعارش، از پرکارترین شاعران فارسی زبان، مشهور در غزل سرایی	صائب تبریزی (معروف‌ترین شاعر سبک هندی)
سرودن غزل‌های خیال‌انگیز، به کار بردن مضمون‌های بدیع و دور از ذهن و ویژگی‌های عمده شعر بیدل: مضمون‌های پیچیده، استعاره‌های رنگین و خیال‌انگیز و شرشار از ابهام، تخیل‌های رمزآمیز شاعرانه	بیدل دهلوی

*به خاطر به کار بردن مضمون‌های ابداعی بی شمار-خلاق المعانی اول لقب کمال الدین اسماعیل بود.

سوالات چهارگزینه ای

ادبیات آذربایجان شرقی